

فصل‌نامه علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۴۰۰ (صص ۱۷۱-۱۸۷)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/JMZF.2021.141254](https://doi.org/10.22034/JMZF.2021.141254)

بهره‌گیری نظامی از واژگان زبان کُردی در حوزه‌های مختلف دستوری

وحید علی‌بیگی سرهالی^۱، ام‌البنین نیکخواه نوری^۲

چکیده

نظامی از شاعران حوزه آذربایجان است که با توجه به اقامت وی در این منطقه و ترک‌زبان بودن این مناطق، شاید نمونه‌هایی از زبان ترکی در شعرش به چشم بخورد؛ اما با توجه به کُردنژاد بودن مادر وی و اشاراتی که دیگر نویسندگان به این امر کرده‌اند، رگه‌هایی از زبان کُردی در شعر وی مشاهده می‌شود. در اشعار وی، واژگانی مشاهده می‌شود که مختص زبان کُردی است و به نظر می‌رسد وی در کاربرد این واژگان، تحت تأثیر زبان مادری قرار گرفته است؛ به طوری که بهره‌گیری وی از واژگان کُردی در حوزه‌های گوناگون دستوری مشهود است. استفاده نظامی از اسم‌های کُردی و همچنین صفات و مصدرهای زبان کُردی، گویای تأثیر زبان مادری در اشعارش است و این اثرپذیری با مشاهده پیشوندها و اصطلاحات زبان کُردی موجود در شعر نظامی، بیشتر نمود پیدا می‌کند. در این میان، استفاده نظامی در حوزه دستوری اسم، بسامد بیشتری دارد و در مقابل بهره‌گیری از پسوندها، نمود کمتری دارد. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی فراهم آمده است که در آن، ضمن شناسایی واژگان گوناگون کُردی در اشعار نظامی، به شرح و تفسیر هر یک، با استفاده از فرهنگ لغت‌های کُردی پرداخته شد و در پایان، این نتیجه به دست آمد که نظامی از زبان مادری تأثیر پذیرفته و واژگان کُردی را در اشعارش به خوبی به کار برده است.

واژه‌های کلیدی: شعر کلاسیک، زبان کُردی، دستور زبان، نظامی، خمسه.

۱. مدرس زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

Vahid.alibaygi@gmail.com

۲. مدرس زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

nikkhahe.noori1393@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

۱. مقدمه

استفاده از زبان و نوع کارکرد آن در شعر، جایگاه ویژه‌ای برای جذب مخاطب دارد. در واقع می‌توان گفت، جایگاه زبان در صورتی که همراه با هنر و اسلوب هنری باشد، می‌تواند درک بهتری از جامعه یا حتی احوالات درونی و بیرونی ارائه دهد. با توجه به این تعریف می‌توان گفت: «شعر نوعی کاربرد ادبی ناب زبان است» (سلدن، ۱۳۷۲: ۸). بیشتر شاعران از راه‌های گوناگونی در پی نو کردن شعر و فنون شعری خود هستند و با تمهیداتی که در به‌کارگیری زبان انجام می‌دهند، موجب ایجاد درخشش و تازگی در زبان می‌شوند. «بعضی از آنان با به‌کارگیری برخی شگردها، زبان عادی را ویران می‌کنند و قاعده‌های مرسوم را در هم می‌شکنند و عادت ما را در یکسان نگریستن به هستی تغییر می‌دهند» (یاکوبسن، ۱۳۶۹: ۷۵).

باید توجه کرد آنچه شاعر باید از شعر بداند، درک درست او از زبان و چگونگی کاربرد آن برای بیان مقاصد شاعرانه است؛ هرچند ممکن است در این مسیر با شکستن هنجار و نرم عادی روبه‌رو شود و راه نوینی را برای سرودن افکارش پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. «شاعر با استفاده آگاهانه از شگردهای مبتکرانه، در مسیر مستقیم فهم، پیچشی عامدانه ایجاد می‌کند تا در نگاه مخاطب، مناظر تکراری پیشین را تازه و غریبانه نماید. او با زدودن غبار عاداتی که پیوسته در مسیر تماشاست، پنجره تازه‌ای می‌گشاید که از منظر آن همه‌چیز بدیع و بیگانه به چشم می‌آید» (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۸). در این راه شگردهای فراوانی وجود دارد که یکی از آنها، استفاده از واژه‌های محلی و گویشی است که شاعران یا نویسندگان به‌طور عمدی یا سهوی از آن استفاده می‌کنند که «استفاده به‌جا از واژگان محلی، گذشته از آن که آن‌ها را حفظ و احیا می‌کند و امکانات و ظرفیت‌های زبان را افزایش می‌دهد، خود یکی از عوامل یاری‌کننده شاعر در حفظ روانی جریان خلاقیت شعر و حفظ تداوم حالت عاطفی شاعر است، بی‌آن‌که ساختار نحوی کلام در کشمکش میان وزن و معنی از ریخت

بیفتند» (عباسی، ۱۳۸۷: ۱۲۰). در این میان، نظامی شخصیت ویژه‌ای دارد و البته باید توجه داشت که وی شاعر حوزه خراسان است و در منطقه آذربایجان سکونت داشته است؛ اما در شعر وی گویش و کلمات کُردی نیز به چشم می‌خورد.

علت استفاده وی از واژه‌های کُردی، گردنژاد بودن مادرش است. در این میان، نویسندگانی به این امر اشاره کرده‌اند. نفیسی در مقدمه قصاید و غزلیات نظامی می‌گوید: «مادر نظامی رئیسه نام دارد که از پیشوایان مردم کُرد و از نژاد کُردها بوده است» (نفیسی، ۱۳۸۰: ۸). احمدنژاد هم در کتاب تحلیل شعر نظامی می‌گوید: «نظامی از مادری گردنژاد تولد یافته است» (احمدنژاد، ۱۳۶۹: ۷). زرین کوب نیز ضمن اشاره به کُرد بودن مادر نظامی، به موقعیت و زندگی کُردها در گنجه، بردع و تفلیس اشاره می‌کند و معتقد است که «قوم کُرد، در آن روزگار در گنجه، اران و قسمتی از ارمنستان، نوعی برتری اشراف‌گونه داشته است و در شهر گنجه به سبب حکومت تقریباً طولانی شدادیان کُردنژاد، به این قوم همچنان به چشم عنصری اشرافی نگریسته می‌شد و تعداد کُردها در شهر بردع به حدی بوده که یک دروازه شهر را به نام (باب الاکراد) نامیده‌اند» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۵). بنابراین با توجه به توضیحاتی که بیان شد، نه تنها شک ما در گردنژاد بودن نظامی برطرف شد؛ بلکه با توجه به ابیات زیر، گفته ما تحقق می‌یابد:

گر مادر من رئیسه کُرد مادرصفتانه پیش من مُرد

از لابه‌گیری کرا کنم یاد تا پیش من آردش به فریاد

(نظامی، ۱۳۷۶: ۷۵)

زیرا وی تعمداً با تأکید، کلمه (کُرد) را قافیه قرار داده است تا تمامی حدس و گمان‌ها در مورد تبار مادرش را برطرف کند. ثروتیان در این باره چنین گفته است: «زبان مادری نظامی گنجه‌ای، در معنی خاص آن کُردی بوده است و نظامی نیز با

نهایت سرافرازی در این باب سخن می‌گوید و عمداً کلمه کُرد (با ضمّه حرف اول) را در قافیه قرار داده است تا تعبیر و تحریفی پیش نیاید» (ثروتیان، ۱۳۶۶: ۵۸).

در زبان معمولی، حتی اگر به شعر باشد، زمانی که واژه‌های یکدست در محور هم‌نشینی کلام قرار می‌گیرند، دچار ناهمگونی نمی‌شوند؛ اما وقتی واژگان محلی یا متفاوت به کار گرفته می‌شوند، آنگاه سخن زنده‌تر می‌شود؛ زیرا رنگی دیگر بر آن پاشیده می‌شود و عطری دیگر می‌یابد که یکی از نتایج مثبت آن برجسته شدن کلام و والایی آن است و قطعاً چنین شگردهایی اگر در مقوله زبان رخ دهد، نه تنها به حفظ میراث فرهنگی و گویش محلی کمک می‌کند؛ بلکه در نو شدن و کلیشه نشدن کلام نیز مؤثر خواهد بود. با توجه به مطالب ذکر شده و تصدیق گویش کردی نظامی، دیده می‌شود که شاعر در خمسه از این نوع شگردها بهره برده و در لابه‌لای اشعار خود از واژگان کُردی استفاده کرده است که در این پژوهش، به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

با مطالعه اشعار نظامی، به بعضی از واژگان برمی‌خوریم که در فرهنگ لغات فارسی، معادل یا معنی آن‌ها مشخص نیست؛ درحالی‌که بهره‌گیری شاعر از این واژگان در فرهنگ‌های لغت به زبان کردی، کاملاً بارز است و می‌توان مقصود شاعر را به‌خوبی ارزیابی کرد.

استفاده نظامی از واژگان و اصطلاحات کردی نشان می‌دهد که وی تحت تأثیر زبان مادری قرار گرفته است و بهره‌گیری وی از واژگان کردی اتفاقی نبوده و این امر به‌صورت تعمّدی صورت پذیرفته است.

با توجه به کُردنژاد بودن مادر نظامی و اقامت وی در آذربایجان و تسلط زبان ترکی در این منطقه، این پرسش در ذهن ایجاد می‌شود که آیا تأثیر زبان مادری (کُردی) در

شعر وی دیده می‌شود و در صورت تجلی زبان کُردی در شعر نظامی، این امر به چه صورتی نمود یافته است؟

با تحقیق بر روی اشعار نظامی مشخص شد که وی از زبان کُردی در زمینه‌های دستوری استفاده کرده است - که در این پژوهش به‌طور موردی به آن‌ها اشاره شده است.

۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از پژوهش حاضر، اثبات تأثیر زبان مادری نظامی (کُردی) در سروده‌های وی است. همچنین کاربرد واژگان کُردی در ابعاد گوناگون دستوری در اشعار نظامی، نشان می‌دهد که او با توجه به اقامت در ناحیه آذربایجان، همچنان از زبان مادری بی‌بهره نبوده است و ضرورت این تحقیق بر همین پایه استوار است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

عده‌اندکی از پژوهشگران به موضوع ادبیات کُردی و آثار نظامی توجه کرده‌اند. مرشدی (۱۳۹۶)، در مقاله «نظیره‌های کُردی در خمسه نظامی»، به اشعاری با زبان کُردی پرداخته است که از خمسه نظامی تأثیر پذیرفته است. حسن‌پور و رادفر (۱۳۹۳)، در مقاله «بررسی ترجمه کُردی زاری از لیلی و مجنون نظامی»، ترجمه کُردی داستان زاری از لیلی و مجنون نظامی را انجام داده‌اند.

بنابراین می‌توان گفت، درباره بهره‌گیری نظامی از واژگان کُردی در خمسه، پژوهشی صورت نگرفته و این تحقیق دارای نوآوری است.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. کاربرد اسم

نخستین موردی که در این زمینه به آن اشاره می‌شود، کاربرد اسم‌های کُردی در شعر نظامی است. «اسم عبارت از کلمه معناداری است که برای نامیدن موجودات و عناصر

پدیده‌های طبیعی و مفهوم‌های مجرد (دانش - تحصیل) و غیره به کار می‌رود» (شفائی، ۱۳۶۳: ۱۱). با تعریف مختصری که از اسم بیان شد، باید گفت نظامی در اشعار خود از اسم‌هایی استفاده کرده است که در فرهنگ لغت‌های فارسی به چشم نمی‌خورد و این اسامی را می‌توان در فرهنگ لغت‌های کُردی به‌راحتی پیدا کرد. نکته قابل توجه این است که نظامی اسم‌های کُردی را با همان لهجه محلی کُردی بیان کرده است که نمونه زیر، گواه این مطلب است:

باغ ارچه گل و گل‌اله دار است از عکس رخت نواله‌خوار است

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۱۴۹)

در این بیت واژه «گل‌اله» در میانه شعر به‌خوبی جلب توجه می‌کند و برای فارسی‌زبانان یک واژه ناآشنا است؛ درحالی‌که همین واژه در زبان کُردی یک واژه آشنا است. «گل‌اله» کلمه‌ای سورانی به معنی «آلاله است و همین واژه در فرهنگ زبان کُردی باشور، به‌وضوح دیده می‌شود» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ذیل واژه). در توضیح این واژه باید گفت که در گویش هورامی (لام) به (ر) تغییر پیدا کرده است و به‌صورت «گورالی» نیز نوشته می‌شود. در زبان فارسی چنین اصطلاحی وجود ندارد که از (گل + اله) به وجود آمده باشد و کلمه‌ای کاملاً کُردی است.

همچنین این کلمه در مناطق کلهرنشین استان کرمانشاه با تلفظ «گِلا» به کار می‌رود که به معنی «برگ درخت» است و معنی این واژه با توجه به کاربرد آن در بیت بالا می‌تواند بی‌ربط نباشد.

بیت زیر نمونه دیگری از کاربرد «گل‌اله» در شعر نظامی است:

چون دید که دیلم است خاموش کردش ز گل‌اله گوردین پوش

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۲۴۳)

واژه «کلیچه» از دیگر واژگان کُردی است که در شعر نظامی در جایگاه اسم به‌کاررفته است؛ این کلمه با همان لهجه و گویش خاصی زبان کُردی در شعر وی

جلوه خاصی یافته است و با همان ساختار نوشتاری، در زبان کُردی، به معنای «کلوچه» است (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه). این کلمه با همان کاربرد به کاررفته در شعر نظامی، هنوز هم در مناطق کردنشین کلهری استان کرمانشاه استفاده می‌شود.

آورد سبک طعام در پیش بریان و گلیچه از عدد بیش

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۲۰۰)

واژه «گیا» از دیگر کلماتی است که ذیل بحث دستوری اسم در شعر نظامی کاربرد

دارد:

این قوم گیای آن کیانند بر جای کیان نگر کیانند

(همان: ۱۶۱)

همان‌طور که در بیت فوق دیده می‌شود، این واژه بدون (ه) در آخر کلمه به کاررفته است و در زبان فارسی چنین اسمی با چنین کاربرد و معنایی وجود ندارد؛ اما این واژه در زبان کُردی به وفور دیده می‌شود و در گویش کلهری نمود بیشتری دارد. «معنای واژه «گیا» در زبان کُردی به معنی گیاه است» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه). یکی دیگر از واژگان به کاررفته در مبحث اسم، در شعر نظامی، واژه «سَرین» است.

که ریخت سرشک بر سَرینش گه دیده نهاده بر جبینش

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۲۵۲)

«واژه سَرین در فرهنگ زبان کُردی، مخصوصاً در زبان کلهری کرمانشاهی به معنای بالشت معنی شده است و کُردزبانان این منطقه هنوز هم از این واژه استفاده می‌کنند و به بالشت، سَرین می‌گویند» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه).

با توجه به توضیحات ذکرشده، می‌بینیم که نظامی در بیت فوق، ریختن اشک معشوق بر بالشت زیر سرش را بیان کرده است.

واژه «خال» یا «خالو» از دیگر اسامی کُردی در شعر نظامی است. این واژه در بیت

زیر به صورت «خال» به کاررفته است:

گر خواجه عمر که خال من بود خالی شدنش و بال من بود

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۵۰)

واژه خالو «در زبان کردی به معنی دایی است» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه). این واژه در زبان کردی بسیار رایج است و با گویش کلهری کرمانشاهی نمود بیشتری دارد. از دیگر کلمات به‌کاررفته در حوزه اسم در شعر نظامی، واژه «دایه» است. طفل شب آهخت چو بر دایه دست زنگلمه روز فراپاش بست

(نظامی م، ۱۳۷۶: ۴۶)

واژه دایه «در زبان کردی به‌جای واژه مادر، که در فرهنگ لغت فارسی وجود دارد، استعمال می‌شود» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ذیل واژه). نمونه این واژه را در بیت فوق مشاهده کردیم.

واژه «دیار» یکی دیگر از نمونه‌های کاربرد اسم در شعر نظامی است:

رنجور تنست یا تنومند هستم به دیارش آرزومند

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۲۰۲)

«کلمه دیار در زبان کردی به معنای دیدار است. در گویش کردی می‌گویند، دیارت نیه یعنی پیدات نیست» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه). نمونه دیگر:

چون راه دیار دوست بستند بر جوی بریده پل شکستند

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۶۹)

کلمه دیگری که در شعر نظامی دیده می‌شود و ریشه کردی آن به‌وضوح قابل تشخیص است، کلمه «کانی» یا «خانی» است. این واژه در مناطق گردنشین به‌صورت «کانی» تلفظ می‌شود و معنی آن در زبان کردی «چشمه» است.

اولش گرچه آب خانی داد آخرش آب زندگانی داد

(نظامی ه، ۱۳۷۶: ۲۸۶)

همان‌گونه که مشهود است، در بیت فوق نظامی واژه «خانی» را به‌کاررفته برده است و باید یادآور شد «که خانی معرب کانی است که (ک) آن برای سهولت تلفظ به

(خ) تبدیل‌شده و در زبان کُردی به معنای چشمه به کار می‌رود» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه).

واژه «هوز» (با واو کشیده) از دیگر واژه‌هایی است که در زبان کُردی به کار می‌رود و نظامی آن را به صورت اسم جمع به کار برده است. «کلمه هوز در میان کُردهای کلهر هنوز به کار می‌رود و به معنی گروه است» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ذیل واژه).

به هوز هندوان آمد خزینه به سنگستان غم رفت آبگینه

(نظامی خ، ۱۳۷۶: ۳۲۷)

کاربرد دیگری از اسم کُردی که در شعر نظامی به چشم می‌خورد، واژه «گرده» است. این واژه هم‌اکنون در میان مردمان کلهرنشین استان کرمانشاه کاربرد دارد و به نوعی شیرینی محلی گفته می‌شود که تنها در این مناطق تهیه و پخت می‌شود و نظامی در بیت زیر این واژه را به معنی همان شیرینی محلی استفاده کرده است:

بره و مرغ و زیربای عراق گرده‌ها و کلیچه‌ها و رقاق

(نظامی ه، ۱۳۷۶: ۱۲۵)

۲-۲. کاربرد صفت کُردی

کاربرد صفات کُردی، از دیگر مباحثی است که ذیل واژگان کُردی به کار رفته در اشعار نظامی، نمود بارزی دارد. کاربرد صفت در شعر نظامی کم نیست؛ اما در بعضی از ابیات، صفت‌هایی استفاده کرده است که ویژه زبان کُردی است و این صفات در زبان کُردی کاملاً رایج و پُرکاربرد هستند. نمونه‌های زیر تنها بخشی از صفات به کار رفته در خمسه اوست:

بوری به هزار زور می‌راند بیتی به هزار درد می‌خواند

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۱۰۳)

در بیت بالا واژه «بور» به صورت صفت به کار رفته است. «بور، منظور اسب یا قاطر مایل به رنگ قرمز یا صورتی است» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ذیل واژه). در فرهنگ خور هلات نیز درباره واژه «بور» آمده است: «صفت بور، در زبان کُردی نه تنها برای حیوانات؛ بلکه

برای همه اشیائی که دارای چنین رنگ و خصوصیاتی باشند، به کار می‌رود و واژه بور به معنای رنگ قهوه‌ای هم معنی شده است» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه).

واژه «سور» از دیگر صفات به‌کاررفته در خمسه نظامی است:

ماه را در نقاب کافوری بسته چون در سمن گل سوری

(نظامی هـ، ۱۳۷۶: ۱۱۷)

واژه سور «در زبان گردی در جایگاه صفت به کار می‌رود و به معنی رنگ قرمز است» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ذیل واژه). کاربرد این صفت در خمسه نظامی هم دیده می‌شود و وی این صفت را در همان معنای «قرمز» بارها به‌کاربرده است. از نکته‌های جالب درباره صفت سور، این است که نظامی آن را در کنار (گل) به‌کاربرده است که معنای گل سرخ از آن استخراج می‌شود.

نمونه دیگر از کاربرد «سور» در بیت زیر نیز مشاهده می‌شود که بازهم آن را در کنار گل به‌کاربرده است:

پرده زنبور گل سوریست وان تو این پرده زنبوریست

(نظامی م، ۱۳۷۶: ۱۱۶)

۳-۲. کاربرد فعل

فعل از دیگر ارکان جمله است که بدون آن درک جمله با مشکل مواجه می‌شود. کاربرد نظامی از فعل در جایگاهی متفاوت است؛ زیرا وی علاوه بر استفاده از فعل زبان فارسی، از افعالی استفاده می‌کند که در زبان گردی کاملاً رایج و پُرکاربرد است. نمونه این افعال در ابیات زیر مشهود است:

افتاد پدر از کار، بگری بگری به سزا و زار بگری

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۱۵۸)

درباره بیت بالا و کاربرد فعل آن باید گفت: «در زبان گردی به‌جای کلمه بگیری واژه بگری، به کار می‌رود که فعل امر دوم‌شخص مفرد است» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه) و در این بیت نظامی، کلمه «بگری»، که در مصرع اول آمده است، به همین معنای

(بگیرش) به کاررفته است که با واژه «افتاد» آمده و در نتیجه چنین معنایی را اثبات می‌کند؛ اما در مصرع دوم، به همان معنای (گریه گن) به کاررفته است. واژه «هشتن» از دیگر افعالی است که در زبان کُردی دیده می‌شود و در شعر نظامی کاربرد دارد:

همه برقع فروهشتند بر ماه روان گشتند سوی خدمت شاه

(نظامی خ، ۱۳۷۶: ۱۲۲)

همان‌طور که گفتیم «واژه هشتن یک واژه کُردی و به معنای (گذاشتن) است و این واژه هنوز هم در میان کُردهای کلهری کرمانشاه کاربرد فراوانی دارد و گاهی هیشتن نیز به کار می‌برند» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه).

۴-۲. کاربرد مصدر

استفاده از مصدر یکی دیگر از مصادیقی است که در بحث بهره‌گیری نظامی از واژگان کُردی قابل بحث و بررسی است. وی در اشعار خود از مصدرهایی استفاده کرده است که بیشتر در زبان کُردی رایج است و مشابه آن در زبان فارسی دیده نمی‌شود که نمونه زیر گویای این مطلب است:

بر شوی ز شعری که خواندی در شیوه دوست نکته راندی

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۲۳۶)

در بیت فوق، واژه «شیوه» نمود بارزی دارد. دربارهٔ واژه مورد بحث باید گفت که «شیوه در زبان کُردی به دو معنی می‌آید که یک معنی آن نظیر، مانند و معنی دیگر آن گریه و زاری و شیون کردن است» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه).

یکی دیگر از واژگان کُردی که در شعر نظامی در جایگاه مصدر به کاررفته است، واژه «رشتن» است که در شرفنامه نظامی این‌چنین آمده است:

رسیدند چندان سیاهان زنگ که شد در بیابان گذرگاه تنگ

که سواد جهان را چنان دود رشت که سودا درآمد به آن کوه و دشت

(نظامی، ش، ۱۳۷۶: ۱۳۷)

رشتن «در زبان گُردی به معنی سرمه به چشم کشیدن و نقش و نگار است» (شرفکندی، ۱۳۷۶: ۳۴۶). این واژه در زبان گُردی گاهی به صورت «رژیا» به کار می‌رود و همچنان در زبان گُردی کلهری کاربرد دارد. وقایع‌نگار کردستانی اشاره می‌کند که «واژه رژیا به فتح رای مهمل، چشمی را گویند که سرمه کشیده باشند؛ آن سرمه کشیدن را رژیا می‌گویند» (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

۵-۲. کاربرد اصطلاحات

استفاده نظامی از اصطلاحات گُردی، از دیگر مشخصه‌های شعر وی است. در زبان گُردی به برخی از اصطلاحات برمی‌خوریم که برای نشان دادن ادب یا احترام به طرف مقابل استفاده می‌شود؛ همچنین برخی اصطلاحات نیز در زبان گُردی وجود دارد که معنایی خاص را می‌رسانند. نمونه‌های آن در خمسه نظامی به شرح زیر است:

چو مانده شد از عذاب و اندوه سجاده برون فکند از انبوه

(نظامی الف، ۱۳۷۶: ۳۳)

در بیت فوق واژه «مانده» از واژگانی است که در زبان گُردی، هنوز هم به صورت اصطلاحی کاربرد دارد. «در زبان گُردی، به جای اصطلاح خسته نپاشید از اصطلاح مانده نوو استفاده می‌شود» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه مانده نوو)؛ که نظامی نیز از آن اصطلاح استفاده کرده است و معنای (خسته شدن و درمانده شدن) را مد نظر دارد.

دل چون دهدت که برستیزی خون دو سه بیگانه بریزی

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۱۲۳)

در بیت بالا اصطلاح «دل دادن در ...» تعبیری کنایه‌آمیز است که در زبان گُردی به صورت «دلت چید یا دلت دهد به کار می‌رود و به معنای چگونه دلت می‌آید» (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ذیل واژه) استعمال می‌شود. نظامی در بیت فوق می‌گوید چگونه روا می‌داری به‌ناحق خون چند بی‌گناه را بریزی.

استفاده از اصطلاح «شوی کردن»، نمونه‌ای دیگر از کاربرد اصطلاحات کُردی است که «این اصطلاح نیز در مناطق کردنشین، مخصوصاً کردهای کلهری کرمانشاه هنوز هم کاربرد دارد و به معنای ازدواج کردن به کار می‌رود» (همان: ذیل واژه).

غمخواره او غمی دگر یافت کز کردن شوی او خبر یافت

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۱۴۶)

۷-۲. پیشوند تشبیهی

نظامی در شعر خود علاوه بر استفاده از واژگان کُردی، پیشوندهایی را به کار برده است که جز در زبان کُردی، در جایی دیده نمی‌شود. این گونه پیشوندها در شعر نظامی معنای تشبیه را می‌رساند.

نمونه کاربرد این پیشوندهای تشبیهی را در بیت زیر می‌بینیم:

بر فرق چمن گلاله تاک پیچیده شود چو مار ضحاک

(همان: ۲۴۸)

در بیت فوق، واژه «گلاله» تشبیهی است برای زلف و مو، «این واژه در زبان کُردی در اصل به معنای مردمک چشم به کار می‌رود» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ذیل واژه)؛ اما نظامی با آوردن آن در اول کلمات، نه تنها واژه‌ای جدید می‌سازد؛ بلکه از آن به‌عنوان یک پیشوند تشبیه‌ساز استفاده می‌کند که معنای «سیاهی» را از آن برداشت کرده است و منظور از گلاله تاک، برگ‌های آویزان درخت تاک است که آن را به موی یار مانند کرده است.

همچنین در بیت زیر:

چون دید که دیلم است خامو کردش ز گلاله گوردین پوش

(نظامی ل، ۱۳۷۶: ۳۱۵)

۸-۲. پسوند نسبت‌ساز

پسوندهای نسبت‌ساز کُردی از دیگر مباحثی است که در شعر نظامی دیده می‌شود. نظامی پسوندهایی را در اشعارش به کار برده است که معنی نسبت را می‌رساند و در

زبان کُردی بسیار رایج است؛ در حالی که در زبان فارسی این چنین پسوندی وجود ندارد. مثال

بر نجد شدی ز تیر و جدی شیخانه و نه شیخ نجدی

(همان: ۱۰۳)

«انه» در زبان کردی پسوندی نسبت‌ساز است و در این بیت به معنای نسبت به شیخ و مانند شیخ است.

۹-۲. نشانه‌های جمع

استفاده نظامی از نشانه‌های جمع از دیگر کاربردهای وی از واژگان کردی است که در زبان کُردی برای معنای جمع و برای جمع بستن واژه‌ها به کار می‌رود؛ در حالی که چنین نشانه‌هایی در زبان فارسی وجود ندارد:

گوهر به گلاله‌کان برافشانند وز گوهرکان شه سخن راند

(همان: ۳۸)

واژه «گلاله» همان‌طور که در بالا گفتیم، به معنای مردمک چشم است که «به» این واژه در میان دیگر لهجه‌های کُردی گلالره می‌گویند و به دلیل تغییرات فونولوژیک حرف لام به ر تبدیل شده است و کان هم نشانه جمع در زبان کردی است، مانند چاوه کان، کوره‌کان، کچه‌کان» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ذیل واژه کان) که در بیت فوق از آن برای جمع بستن واژگان «گلاله - گوهر» استفاده شده است.

همچنین بیت زیر:

عقابی که نخجیرسازی کند به فروجکان دست بازی کند

(نظامی ش، ۱۳۷۶: ۱۶۰)

۹-۲. اسم صوت

از دیگر موارد واژگان کردی که نظامی در خمسه خود بهره برده است، کاربرد اسم صوت است. اسم صوتی که در شعر نظامی به کاررفته واژه «رو» است.

نمونه:

خری چوب می‌خورد و بر جای جو خر افتاد و جان داد و خربنده رو

(همان: ۱۲۰۸)

در بیت فوق «رو» به معنی آواز حزین است. «این کلمه اصطلاح کُردی بابا-رو؛ بابا، رو را به یاد می‌آورد که هنگام مرگ پدر خانواده فریاد می‌کشند؛ یعنی بابا رفت. واژه رُو در زبان کُردی کلمه شیون و به‌صورت اسم صوت است» (شرفکندی، ۱۳۷۶: ۳۴۹).

۳. نتیجه‌گیری

اقامت نظامی در منطقه آذربایجان و تأثیر زبان و ادبیات ترکی این مناطق نه‌تنها شاعر را از زبان مادری (کُردی) دور نکرده است؛ بلکه شواهدی در شعرش مشهود است که نشان می‌دهد شاعر برای زبان مادری ارزش قائل بوده و لهجه و گویش آن را به یاد داشته و این امر در جای‌جای اشعارش نمودی بارز یافته است. نظامی با به کار بردن اسامی گوناگونی که در فرهنگ لغات کُردی وجود دارد، بیش از سایر حوزه‌های دستوری از آن بهره برده است. کاربرد انواع فعل در کنار انواع پیشوندهای کُردی، شعرش را به‌خوبی از زبان مادری متأثر کرده است؛ به‌طوری‌که بسامد کاربرد اسم در شعرش بارزتر از سایر واژگان در حوزه‌های دستوری است. در این میان، شاعر از اصطلاحات کُردی یا نشانه‌های جمع در خمسه نیز بهره برده است؛ به‌طوری‌که مخاطب با مطالعه اشعارش، بیشتر به تأثیر زبان کُردی در افکار این شاعر پی می‌برد. همچنین باید گفت که در خمسه نظامی، بهره‌گیری از اسم صوت کُردی کمترین اثرپذیری از زبان کُردی را به خود اختصاص داده است و این نشان می‌دهد که شاعر، اسم‌های صوت کُردی را فقط برای مقاصد شیون و زاری به‌کاربرده است که در نوع خود درخور توجه است.

کتاب‌شناسی

۱. احمدنژاد، کامل (۱۳۶۹)، *تحلیل آثار نظامی گنجوی*، تهران: انتشارات علمی.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۰)، *ساختار و تأویل متن*، تهران مرکز.
۳. ثروتیان، بهروز (۱۳۶۶)، *مقدمه خسرو و شیرین*، نظامی گنج‌ای، تهران: انتشارات توس.
۴. جلیلیان، عباس (۱۳۸۵)، *فرهنگ باشور (کردی- کردی- فارسی)*، تهران: انتشارات پرسمان.
۵. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، *پیر گنج‌ه در جستجوی ناکجاآباد*، تهران: انتشارات سخن.
۶. سلدن، رامان (۱۳۷۲)، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
۷. شرفکندی، عبدالرحمن متخلص به «هه ژار» (۱۳۷۶)، *هه نپانه بورینه (فرهنگ کردی - فارسی)*، تهران: سروش.
۸. شفائی، احمد (۱۳۶۳)، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات نوین.
۹. عباسی، حبیب‌اله (۱۳۸۷)، *سفرنامه باران (نقد و تحلیل اشعار دکتر شفیعی کدکنی)*، تهران: روزگار.
۱۰. کریم‌پور، کریم (۱۳۸۰)، *خوه‌ره‌ه‌لات*، فرهنگ گویش کردی کلهری (کردی- فارسی)، کرمانشاه: صبح روشن.
۱۱. نظامی گنجوی، جمال‌الدین‌الیاس (۱۳۷۶)، *اقبال‌نامه*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
۱۲. (۱۳۷۶)، *خسرو و شیرین*، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

۱۳.، (۱۳۷۶)، *لیلی و مجنون*، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
۱۴.، (۱۳۷۶)، *مخزن‌الاسرار*، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره
۱۵.، (۱۳۷۶)، *هفت‌پیکر*، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره
۱۶.، (۱۳۷۶)، *شرفنامه*، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر.
۱۷. نفیسی، سعید (۱۳۸۰)، *مقدمه دیوان قصاید و غزلیات نظامی*، تهران: انتشارات فروغی.
۱۸. وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، *فرهنگ کردی-فارسی*، به کوشش محمد رؤف توکلی، تهران: توکلی.
۱۹. یاکوبسن، رومن و دیگران (۱۳۶۹)، *زبان‌شناسی و نقد ادبی*، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، تهران: نی.